بلاگر معروف طراح نقشه سرقت ۱۰۰ میلیاردی بود



گروه حوادث: مرضیه همایونی/ عصر یکی از روزهای آبان پسر جوانی سوار بر یک خودروی بنز از پارکینگ خانه‌اش در شمال تهران خارج شد تا به باشگاه بدنسازی برود. اما همین که وارد خیابان شد، چند متر جلوتر ناگهان دو مرد در حالی که ماسک بهداشتی به چهره داشتند جلوی خودرو را گرفته و از راننده خواستند پیاده شود. پسر جوان با دیدن اسلحه‌ای که در دست یکی از آنها بود، ترسید و به تصور اینکه مردان مسلح قصد خفت‌گیری دارند به جای توقف، پایش را روی پدال گاز گذاشت و دنده عقب با سرعت شروع به حرکت کرد. اما چون سرعتش زیاد بود هنگام فرار با چند خودرو که کنار خیابان پارک بودند، برخورد کرد. مردان مسلح نیز تهدید به شلیک می‌کردند؛ با این حال راننده بنز توانست از آنجا فرار کند. امیر که خیلی وحشت‌زده شده بود، با یکی از دوستان صمیمی‌اش به نام شایان که از بلاگرهای معروف کشور است، تماس گرفت و آنچه اتفاق افتاده بود را برایش تعریف کرد و گفت: «فکر کنم آنها یا می‌خواستند مرا بربایند یا خودروام را سرقت کنند اما به هر سختی بود، توانستم از دست آنها فرار کنم. الان هم در مسیر اداره آگاهی هستم تا ماجرا را به پلیس خبر دهم.» شایان با شنیدن جمله آخر گفت: «فعلاً دست نگهدار. قبل از اینکه پیش پلیس بروی باید یک کاری انجام دهی؛ اگر آنها سارق بوده باشند ممکن است تو را بشناسند و مشخصات خانه و محل کارت را داشته باشند. قبل از هر کاری اگر در خانه با شرکت پول و دلار و طلا و وسایل باارزش داری، جمع کن و به خانه ما بیاور تا اگر بخواهند از خانه و شرکت سرقت کنند، موفق نشوند.»

سرقت کوله پشتی پر از ارز و طلا

تاجر جوان با شنیدن این حرف‌ها به دوستش اعتماد کرد و راهی شرکت شد و دلار و یوروهایی که در شرکت بود را برداشت و بعد از آن راهی خانه شد و حدود ۲ کیلو طلا و مقداری ارز که در خانه داشت را داخل کوله‌پشتی‌اش گذاشت و راهی خانه دوستش در غرب تهران شد. بعد کوله‌پشتی را به شایان داد تا در گاوصندوق خانه‌اش بگذارد. بعد هم به اصرار دوستش آن شب در خانه شایان ماند.

صبح روز بعد، پسر جوان با شنیدن صدای زنگ در آپارتمان از خواب پرید. وقتی شایان در خانه‌اش را باز کرد، دو مرد را با ماسک بهداشتی و لباس‌های سرتا پا مشکی پشت در دید. آنها خود را پلیس مبارزه با مفاسد اقتصادی معرفی کردند اما زمانی که شایان از آنها خواست تا حکم قضایی‌شان را نشان دهند، دو مرد لوله اسلحه را به سمت او گرفته و با تهدید وارد خانه شدند. آنها بلافاصله چشم‌های شایان و دوستش امیر را بسته و به جست‌وجوی داخل خانه پرداختند. وقتی در اتاق خواب با کوله‌پشتی امیر مواجه شدند، آن را برداشته و با عجله خانه را ترک کردند.

گزارش سرقت

با رفتن مردان مسلح، امیر و شایان به سختی دست‌هایشان را باز کرده و با پلیس تماس گرفتند. لحظاتی بعد کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی وارد عمل شده و تحقیقات آغاز شد. امیر در تحقیقات اولیه ماجرای فرارش از دست مردان مسلح در ۲۴ ساعت قبل از سرقت را نیز توضیح داد.

کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مداربسته لابی برج محل سکونت شایان پرداختند. دوربین‌ها ورود و خروج دو سارق مسلح را ثبت کرده بود. هر دوی آنها ماسک به چهره داشتند اما موضوعی که توجه پلیس را به خود جلب کرد، این بود که سارقان با ورود به برج ابتدا به سراغ نگهبان رفتند و خود را مأمور پلیس معرفی کردند اما بدون آنکه آدرس و شماره طبقه و پلاک آپارتمان شایان را بپرسند، به مسیر خود ادامه داده و به سمت آسانسور رفتند. بعد از دقایقی نیز در حالی که یک کوله‌پشتی در دستشان بود از آسانسور خارج شده و برج را ترک کردند.

اینکه سارقان نشانی خانه شایان را می‌دانستند، نشان می‌داد که آنها آشنا بوده و به احتمال زیاد یک همدست دیگر هم دارند. چرا که به گفته امیر کسی نمی‌دانست او در خانه شایان است و از طرفی این سؤال مطرح شد که چرا با وجودی که امیر از شایان خواسته بود کوله‌پشتی‌اش را در گاوصندوق بگذارد، او از این کار امتناع کرده بود. درنهایت کارآگاهان به شایان شک کردند و از او درباره علت این کار سؤال کردند که او پاسخ داد: «از آنجایی که خانه‌ام امن بود و امیر دیروقت به خانه‌ام آمد، حوصله‌ام نکشید که در گاوصندوق را باز کنم و با خودم گفتم فردا صبح که از خواب بیدار شدم، وسایل داخل کوله‌پشتی را داخل گاوصندوق می‌گذارم اما به محض بیدار شدن، سارقان آمده و سرقت انجام شد.»

سابقه آدم‌ربایی

از آنجا که پاسخ شایان برای کارآگاهان قانع کننده نبود، در بررسی تماس‌های شایان مشخص شد که او چندین بار با یکی از اقوامش به نام بهزاد در تماس بوده است. وقتی سوابق بهزاد بررسی شد، با استعلام سوابق کیفری او دریافتند وی سال گذشته به اتهام ربودن پسر مالک یکی از باشگاه‌های فوتبال در شمال کشور و درخواست اخاذی از آنها همراه همدستش دستگیر و به زندان منتقل شده بود اما چند ماه بعد بهزاد و همدستش با قرار وثیقه از زندان آزاد شده بودند.

در گام بعدی تصویر بهزاد و همدستش از سیستم پلیس به دست آمد و زمانی که با تصاویر گرفته شده از دوربین‌های مداربسته لابی برج مقایسه شد، مشخص شد که سارقان همان بهزاد و همدستش هستند که در پرونده کودک‌ربایی دستگیر شده بودند. با به دست آمدن این سرنخ، فرضیه همدستی شایان با بهزاد و همدستش قوت گرفت و هر سه نفر بازداشت شدند. متهمان که در برابر مدارک پلیسی قرار گرفته بودند و کتمان را بی‌فایده می‌دیدند، درنهایت به سرقت ۱۰۰ میلیاردی از امیر و توطئه ربودن او برای اخاذی اعتراف کردند.

اعترافات بلاگر طماع

شایان، یکی از بلاگرهای معروف با چندین هزار دنبال کننده است که در این پرونده به عنوان طراح اصلی سرقت و آدم‌ربایی بازداشت است. او که فکرش را نمی‌کرد در کمتر از ۷ روز بازداشت شود، از انگیزه‌اش برای سرقت چنین گفت: «من وضع مالی خوبی دارم، آپارتمانی دوبلکس در یکی از برج‌های معروف تهران و درآمدی بالا از بلاگری.»

با این حساب چرا نقشه سرقت و آدم‌ربایی را کشیدی؟

وسوسه شدم و طمع کردم البته حسادت هم بی تأثیر نبود. وقتی می‌بینی دوستت وضع مالی‌اش از تو بهتر است، ناخودآگاه وسوسه و حسادت به سراغت می‌آید. امیر وضع مالی‌اش به مراتب از من بهتر بود. با او در باشگاه ورزشی آشنا شدم و دوستی‌مان که عمیق شد، از کارهایش می‌گفت. او مدیر موفق یک شرکت تجاری بود و در کار رمزارز هم فعالیت داشت و در کیف پول دیجیتالش ارز زیادی داشت. به همین خاطر وسوسه شدم که نقشه سرقت کیف پولش را اجرا کنم.

چه مدت بود که چنین نقشه‌ای در سر داشتی؟

خیلی وقت بود اما فرصت پیش نمی‌آمد تا اینکه موضوع را با یکی از اقوامم مطرح کردم. او سابقه‌دار بود و در این کارهای خلاف تبحر داشت. زمانی که ماجرا را شنید و فهمید که پول خوبی گیرمان می‌آید، قبول کرد کمکم کند.

نقشه ربودن امیر هم کار خودت بود؟

بله. قرار بر این بود که امیر را برباییم و به محلی که از قبل در نظر گرفته بودیم ببریم و با تهدید رمز گوشی و کیف پول اینترنتی‌اش را بگیریم و تمام رمزارزهایش را به کیف پول خودمان انتقال دهیم. چون تمام اینها در فضای مجازی صورت می‌گیرد، ردی از خودمان به جا نمی‌گذاشتیم اما موفق نشدیم.

برای این کار چقدر به بهزاد پول دادی؟

راستش من به بهزاد هم نارو زدم؛ شب قبل از سرقت وقتی امیر کوله‌پشتی‌اش را به خانه‌ام آورد به بهانه گذاشتن کوله‌پشتی در گاوصندوق تمام محتویات کوله پشتی را که مبلغی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان بود خالی کردم و به جایش داخل آن بطری‌های آب معدنی جاساز کردم. می‌خواستم همدستانم متوجه نشوند که چقدر پول از این ماجرا به من می‌رسد. اما وقتی کوله‌پشتی را باز کرده و دیده بود خبری از پول و طلا نیست، به من اعتراض کرد و من هم برای اینکه دهانش را ببندم بعد از سرقت ۱۶ بسته دلار به بهزاد که از اقوام نزدیکم بود دادم و به او گفتم هر چقدر دوست داری به همدست سهم بده.

نقشه دوم را کی کشیدی؟

زمانی که امیر به من زنگ زد و از ماجرا گفت و اینکه می‌خواهد به پلیس بگوید تمام تلاشم را کردم که او را متقاعد کنم با دارایی‌اش به خانه من بیاید. اگر پلیس متوجه ماجرا می‌شد، کار برای سرقت سخت‌تر می‌شد. امیر که به خانه‌ام آمد با بهزاد و همدستش هماهنگ کردم. قرار شد من به بهانه‌ای او را در خانه‌ام نگه‌دارم و صبح روز بعد آنها به خانه من بیایند. اما نقشه ما این بود که با تهدید رمز کیف پول ارز دیجیتالی‌اش را بگیریم. با اینکه گوشی او هم سرقت شد اما امیر رمز را نداد و گفت که کیف پول ارز دیجیتالش در لپ‌تاپش است و به آنجا نیاورده است. ما هم تصمیم گرفتیم فقط کوله‌پشتی را سرقت کنیم.

فکرش را می‌کردی دستگیر شوی؟

اصلاً چون سرنخی از خودمان به جا نگذاشته بودیم. ما آنقدر سریع دستگیر شدیم که فرصت نکردیم از طلا و ارزهایی که دزدیده بودیم استفاده کنیم.

خبر

آزادی زندانی نذر قبولی در کنکور بود

گروه حوادث: پسر دانش‌آموز که نذر کرده بود در صورت کسب رتبه خوب در کنکور، زمینه آزادی یک زندانی را فراهم کند، پس از اعلام نتایج اولیه آزمون، با حضور در ستاد دیه استان تهران و بررسی پرونده یک زندانی، هزینه آزادی او را تأمین کرد تا مردی که برای درمان همسرش بدهکار شده بود، به آغوش خانواده بازگردد.

به گزارش روابط عمومی ستاد دیه استان تهران، این خیر جوان در میان زندانیان یک زندانی مرد را انتخاب کرد که برای تأمین هزینه‌های درمان همسرش، ۲۰۰ میلیون تومان از فردی قرض گرفته و متعهد شده بود ماهانه شش میلیون تومان سود بپردازد.

او در قبال این بدهی، چکی ضمانتی به مبلغ ۳۳۰ میلیون تومان به فرد قرض‌دهنده داده بود؛ اما با گذشت زمان، با وجود پرداخت مبالغ قابل توجهی به عنوان سود، طلبکار چک ضمانتی را به اجرا گذاشت و این مرد راهی زندان شد.

او که توان پرداخت مبلغ مورد مطالبه را نداشت، از ستاد دیه استان تهران درخواست کمک کرد. با ورود مددکاران این ستاد به پرونده و مذاکره با شاکی، طلبکار پذیرفت ۶۰ میلیون تومان از طلب خود را ببخشد تا مسیر آزادی این زندانی هموارتر شود. در ادامه، خانواده زندانی نیز ۱۲۰ میلیون تومان برای تسویه بدهی فراهم کردند؛ با این حال، برای تکمیل مبلغ مورد نیاز آزادی، همچنان ۱۵۰ میلیون تومان باقی مانده بود.

در این مرحله، دانش‌آموز پشت کنکوری که نذر آزادی زندانی کرده بود، پس از مراجعه به ستاد دیه استان تهران و بررسی پرونده، تصمیم گرفت ۱۵۰ میلیون تومان باقی‌مانده را پرداخت کند. با تأمین این مبلغ، بدهی تسویه شد و زمینه آزادی این مرد فراهم آمد؛ مردی که برای درمان همسرش زیر بار قرض رفته بود، حالا می‌تواند بار دیگر در کنار خانواده‌اش باشد.

عباس کشانی، مدیر ستاد دیه استان تهران، با قدردانی از مشارکت خیران در آزادی زندانیان نیازمند، همراهی مردم و گذشت شاکیان را از عوامل مؤثر در بازگشت این افراد به زندگی عادی دانست. او تأکید کرد کمک‌های خیرخواهانه، در کنار پیگیری‌های ستاد دیه، می‌تواند گره‌گشای پرونده‌هایی باشد که به دلیل ناتوانی در پرداخت بدهی، به زندانی شدن افراد منجر شده‌اند.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۱۶۸

جدول عادی

افقی

۱- نوعی سرگرمی برای بچه‌ها- اثر هنری بی‌نظیر
۲- زنگ- هدایتگر تیم- ثروتمند
۳- سهل، میسر- ز گهواره تا گور بجوی!- از میان رفته و معدوم
۴- قمارباز خاکسترنشین- بوی کهنگی- گونه و نوع
۵- درجه صدا- گوی گریبان- تسلط و سلطه- بیماری
۶- بیماری خطرناک تنفسی- تنها- توده چیزی
۷- جوان، دلیر- جمع رقم- فیلمی با هنرنمایی فریبا کوثری و علیرام نورایی (روی پرده سینما)
۸- جرم متحرک سماوی- از انواع تخمه- نوآور
۹- زبان کشور تزارها- وساطت در خرید و فروش- کماندار منوچهر
۱۰- عددی یک رقمی- ماه وسط پاییز- سرزمین چشم‌اندازها
۱۱- من و او- جوش فلزی- تفریق- پسوند شباهت
۱۲- ماه سریانی- دمای بالای بدن- کاهگل بام
۱۳- پادشاه ستمگر عصر حضرت ابراهیم(ع)- نتیجه دهنده- کلام درویش
۱۴- پرنده پابلند و گردن‌دراز- مرکز «ایرلند جنوبی»- حلقوم
۱۵- عاقبت جوینده- مخفی کردن اصل مطلب

عمودی

۱- سر به زیر و کمرو- کار بدون دقت و سرسری!
۲- شهر «ترکیه»- نام دخترانه- ضمیر مفعولی
۳- جناح لشکر- دیپلماسی- خرگوش
۴- قضاوت غیرعادلانه- ظرف آبخوری
۵- به‌اندازه کافی- غذای خون‌ساز!- گروه مردم
۶- حاصل گندم- شامگاهان- معلم دبیرستان- پیشتاز دورقمی‌ها
۷- عصر- آگهی تبلیغاتی- زینت رو
۸- حنا- نبودن، نیستی- کاهل
۹- پنج ترکی- کشیک، گماشته- گرفتار
۱۰- چیز- مربوط به زمان گذشته- سخنان نامربوط فرد تب‌دار- خودروی صحرایی محکم
۱۱- رزم و پیکار- یله- جدید
۱۲- راهنمایی به راه راست- عمران
۱۳- سیم گردن کلفت- وارسی و تفتیش- عاقل
۱۴- نوعی یقه- منفذ خروجی دود- شیرینی ایرانی و سوغات استان قم
۱۵- بخش سردساز موتور خودرو- سحرآمیز

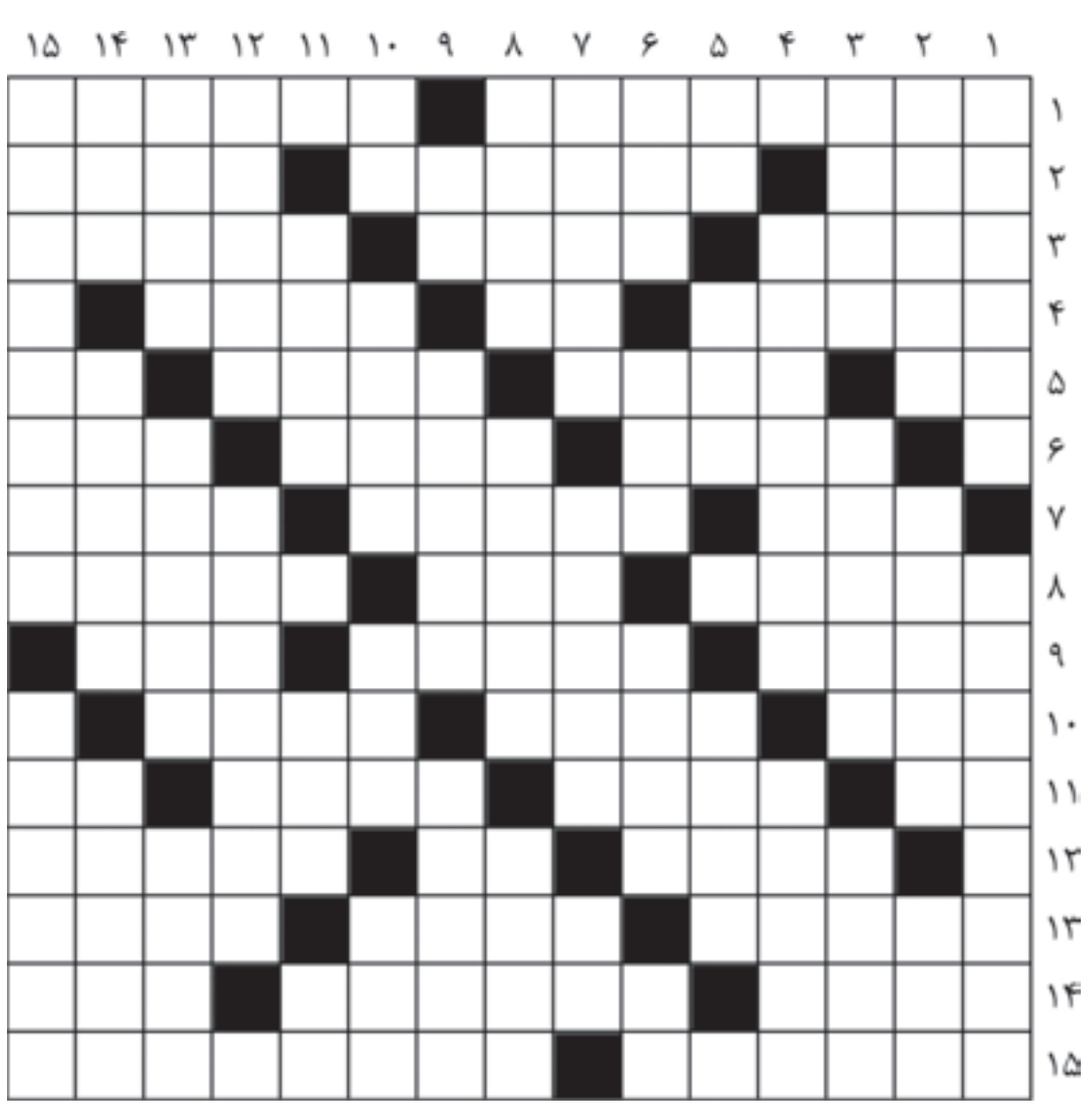
جدول ویژه

افقی

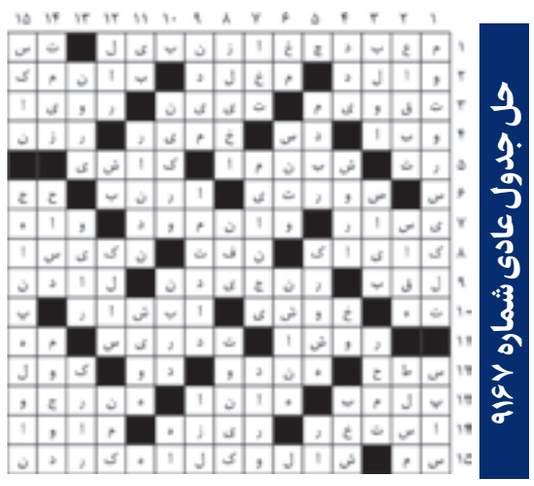
۱- کتاب «جرج برنارد شاو»- منطقه زیبای مشگین‌شهر
۲- حبس ملک یا مال برای امور خیریه- گرد قدیم آرایشی- ورزش ذهنی
۳- منگوله- مهم ترین شعبه نژاد سفید- نقاش «گل‌های آفتابگردان»
۴- رسانه بی‌تصویر- سودای ناله- نیروبخش
۵- مضمون اثر ادبی- آن که با کسی رقابت می کند- گرفتار- به‌اندازه
۶- دارای مزیت- گشاینده- مخفف من را
۷- ماچ- وسیله وزنه‌برداری- وسیله ای در خانه
۸- کارگر- غمگین، افسرده- علت و دلیل
۹- نسیم شب- از درجات نظامی- با «ناز» آید
۱۰- خانه عرب- کپی دی‌وی‌دی- اشک طبیعت بر گونه گل
۱۱- پسوند نسبت- کاسه زانو- زخم سطحی روی پوست- نشانه اسم مصدر
۱۲- تصحیح و ویرایش- رایحه- چیز اضافی و بی‌مصرف
۱۳- بسته شده- حائل و ستر- آرایش
۱۴- چندبارگی- شهر استان فارس- کشت بارانی
۱۵- تیم روسی- هماتولوژی

عمودی

۱- نوعی کانی سیلیس دار- پرتوسنج
۲- فامیل- شالوده- پلکان قهرمانی
۳- رنگ صلح- شغلش پاک کردن غلات است- نشانی
۴- گیاهی طبی و سرشار از فیبر- تیرگی خاطر
۵- ذات- زمان و هنگام- برومند
۶- پایبندی به پیمان- رفیق مشهدی- بی‌صدا- پایین چیزی
۷- از توابع سوادکوه- شاخه‌ای از فیزیک- از اعضای جفتی بدن
۸- تحفه- سریالی از محمدرضا آهنج- میان دنیا و آخرت
۹- عدد ورزشی- بهتان زدن- اتومبیل
۱۰- ایزد مصر- پوشیده- فعالیتی فرهنگی- قوم آتیلا
۱۱- بی‌حیا و بی چشم و رو- گشاده- سایه
۱۲- شهر تاریخی استان کرمانشاه- میزان معافیت شخص بیمه شده از پرداخت هزینه خدمات بیمه
۱۳- مرتاض هندی- همنشین- اپرای «جوزپه وردی»
۱۴- کلمه نهی از گفتن- برادر کمبوجیه- گیاهی از تیره آلاله
۱۵- استان «ژاپن»- بی‌نظمی ضربان قلب



حل جدول عادی شماره ۹۱۶۷



حل جدول ویژه شماره ۹۱۶۷

